

## سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم شناسی

سیدامیدعلی نصیب

کارشناس ارشد مردم شناسی

### چکیده

مردم شناسی و جامعه شناسی از جمله علومى هستند که ریشه در زمانى بسیار دور دارند، به گونه‌اى که بسیاری از حکماء، فلاسفه، جغرافى دانان، و سفرنامه نویسان و... به بحث در امور مربوط به جامعه و زندگى اجتماعى پرداخته و بسیاری از موضوعات مهم مردم شناسى، از قبیل: آداب و رسوم زندگى، باورها، اعتقادات و عادات اجتماعى ملل مختلفه را مورد توجه قرار داده‌اند.

سفرنامه ابن بطوطه نیز یکی از کتابهای گرانبجایی است که می‌تواند به عنوان منبعی مهم در خصوص شناخت جوامع بلاد اسلامی و ناحیه شرق آسیا، مورد استفاده دانشمندان و اندیشمندان علوم اجتماعى قرار گیرد. این سفرنامه یکی از کتابهای مشهورى است که در اوایل قرن هشتم پس از طى یک سفر ۳۰ ساله به رشته تحریر درآمده است.

در این مقاله در آغاز اشاره کوتاهی به خود سفرنامه خواهد شد و سپس ویژگیهای شخصیتی ابن بطوطه مورد بحث قرار می‌گیرد، زیرا نوشته‌های وی تا حد زیادى متأثر از ویژگیهای شخصیتی او نیز هست. در این سفرنامه مباحث اجتماعى فراوانى مطرح گردیده، مباحثی چون قشربندى اجتماعى، کنش اجتماعى، عدالت اجتماعى، مملکت داری و... در این بررسی در پی آن بوده‌ایم که این سفرنامه را از دیدى مردم شناسى مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

از مباحث مردم شناسى مهمی که در این کتاب مطرح گردیده مباحثی نظیر جشنها و



اعیاد، آداب و رسوم، ازدواج، موقعیت اجتماعی زن، مشاغل، میهمان‌نوازی، فال‌بینی، بذل و بخشش، سعد و نحس بودن روزها، عجایب و دیدنیها، زیارتگاه‌ها، آداب کفن و دفن، خوراک، معماری و مسکن و برخی مطالب دیگر اشاره شده است.

مباحث مطرح شده در این سفرنامه مثل روابط خویشاوندی و آداب و سنن اقوام مختلف، شیوه‌های ادارهٔ جامعه، مناسک گذر مانند ازدواج و مرگ و میر و عناصر فرهنگی دیگر مطرح شده. می‌تواند مردم‌شناسان را در بررسی مردم‌شناختی آن عصر کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: سفرنامه، مردم‌شناسی، زندگی، روابط اجتماعی.

#### مقدمه

بشر از همان آغاز زندگی در پی دستیابی به راههای بهتر زندگی کردن بوده است و در این راه در طی هزاران سال تلاش و کوشش خویش موفقیت‌های زیادی را کسب نموده است. از مجموع تاریخ حیات بشری تنها یک درصد آن مربوط به دورهٔ تاریخی است و حدود ۹۹٪ دیگر تنها از طریق یافته‌های باستان‌شناسی قابل بررسی و مطالعه است.

به علاوه به دلایل متعدد از جمله موقعیت جغرافیایی و طبیعی، اقتصادی، جمعیتی و... شیوه‌های زندگی از یک جامعه تا جامعهٔ دیگر متفاوت است، به همین دلیل انسان علاوه بر تلاش در جهت شناخت محیط اجتماعی خویش، بنا به حس کنجکاوی در پی شناخت سایر جوامع نیز بوده است و در این راستا از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی بهره گرفته است.

یکی از شیوه‌های مهمی که بشر برای رسیدن به مقصود خود در پیش گرفته مسافرت است. در جریان همین مسافرتها، سیاحان و گردشگران به تشریح وقایع و رخدادها و مشاهدات خویش در طول سفر پرداخته‌اند که حاصل آن سفرنامه‌های بسیار ارزشمندی است که امروزه در دسترس ما قرار دارند.

«سفرنامه‌ها به طور کلی، از منابع مهم مطالعه تاریخی و جامعه‌شناختی به ویژه در مورد کشورهای شرقی هستند... مسافران و جهانگردان... به خاطر حس کنجکاوی و علاقهٔ شدید یا به دلیل مأموریت داشتن و پی بردن به چگونگی زندگی اجتماعی و آداب



و رسوم ملتها و اقوامی که جهانگردان مذکور قدم به سرزمین آنها می گذاشتند. از این رو بخش مهمی از داده‌های لازم برای تحلیلهای تاریخی و جامعه‌شناسی (و مردم‌شناسی) در مورد جوامع شرقی را می‌توان در کتابها و نوشته‌های مسافران و جهانگردان خارجی یافت.<sup>(۱)</sup>

در سفرنامه شیوه معمول آن است که افراد به شرح مسافرت در طی روزها و ماههای دیدار خود از مبدأ تا مقصد می‌پردازند و در جریان آن دیده‌ها، شنیده‌ها، احساسات و آداب و رسوم و قضاوتها را حکایت می‌کنند. در بررسی فرهنگی گذشته یک قوم یا ملت، این سفرنامه‌ها منبع بسیار ارزشمندی محسوب می‌شوند و می‌توانند جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان را در شناخت هرچه بهتر هویت فرهنگی گذشته یک قوم یا جامعه یاری رسانند.

با اینکه سفرنامه نویسان در یادداشتهای خویش موازین علمی امروز مردم‌شناسی را مدنظر قرار نمی‌دادند و علوم اجتماعی به این شکلی که امروزه به کار می‌رود برای آنان مطرح نبوده است، با این حال «آثار متنوع و فراوان آنان به قدر کافی منابع در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم از قبل آنها مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ادوار تاریخی گذشته را بازسازی کنیم (و به همین دلیل) این مجموعه مأخذ و منابع را مردم‌شناسی بدون مردم‌شناسی می‌نامیم.»<sup>(۲)</sup> مردم‌شناسی به معنای بررسی‌های مردم‌شناسی است که بدون وجود علمی به نام مردم‌شناسی انجام گرفته است.

### شخصیت ابن بطوطه

نام او محمد بن عبد... و نام خانوادگی او ابن بطوطه است که در سال ۷۰۳ هجری قمری در شهر طنجه مراکش به دنیا آمد و در سال ۷۷۹ در سن ۷۶ سالگی درگذشت. زندگی وی معاصر با زندگی ابن خلدون بوده است و در آغاز مردی گمنام و ناشناخته بود که کم‌کم شهرت و آوازه‌ای بسیار کسب کرد، مذهب وی سنی شافعی بود. از ویژگی‌های مهم عصر ابن بطوطه این بود که آن دوران، دوران تاریخ‌نویسی و توجه به اخبار و اقوام و امم بود. ابن بطوطه در مدت سی سال «از کشورها و مناطق مختلفی چون مغرب، مصر، سوریه، ایران، عراق، روسیه، قسطنطنیه، خوارزم، خراسان، افغانستان، هند، مالدیو،



مالزی، اندونزی، سیلان، چین و سودان دیدن کرد. ابن بطوطه در بازگشت خاطرات خود را برای جزیه‌الکعبی دیکته کرد و وی پس از سه ماه کار مداوم این خاطرات را در سال ۱۳۵۵ میلادی (۷۵۶ هجری) به پایان رساند<sup>(۳)</sup>.  
در این مقاله سعی شده است که با استفاده از روشهای مردم‌شناختی به بررسی جنبه‌های مختلف فرهنگی و مردم‌شناختی سفرنامه ابن بطوطه پردازیم.

### شغل ابن بطوطه

وی در بیشتر اوقات عمر خود چه در حین سفر و چه بعد از سفر به شغل قضاوت مشغول بوده است، به طوری که سلطان دهلی مقدم او را گرامی داشت و وی را به سمت قاضی دهلی برگزید و شاید این بدان خاطر بوده که شغل قضاوت در خانواده ابن بطوطه نسبتاً موروثی بوده است.

### ویژگیهای شخصیتی ابن بطوطه

#### ۱- حافظه قوی

چشم تیزبین و حافظه قوی ابن بطوطه به راستی حیرت‌انگیز است، آن طور که از متن سفرنامه برمی‌آید ابن بطوطه در آغاز قصد سفرنامه نویسی نداشته و حتی در فراهم آوردن این مباحث از یادداشتهای قبلی برخوردار نبوده است و فقط به حافظه خویش اتکا کرده است و حال آنکه بسیاری از مطالب این سفرنامه مربوط به ملل و اقوام و بلادی است که ابن بطوطه کمترین آشنایی قبلی حتی از نظر زبان با آنها نداشته است.  
در مورد یادداشت برداری فقط به یک مورد اشاره می‌کنند که از سنگ نوشته‌های قبور علمای بخارا برداشته بود که آن هم طی حادثه راهزنی توسط هندوان به غارت رفته است. از آنجا که وی بعد از سالها افراد را با کلیه مشخصات به اسم و رسم و لقب شناخته دارای حافظه بس حیرت‌آور بوده است.

#### ۲- زهدپرستی ابن بطوطه

علاقه وی به زهدپرستی به حدی بود که به هر شهری که وارد می‌شد سراغ مشایخ و زهاد و پیران طریقت می‌رفت و حتی برخی مسافرتهاى او به برخی بلاد به منظور زیارت



شیوخ مشهور آن بلاد صورت گرفته است.

حتی زمانی که در هند مورد غضب و سوءظن سلطان قرار گرفت از مقام و منصب رسمی کنار رفت و ترک علایق دنیوی گفت و اثاث به درویشان بخشید و جامه آنان به تن کرد و بدین تمهید جان سالم به در برد... و سلطان بعد از مدتی او را یاد کرد... (نقل قول غیرمستقیم - سفرنامه ابن بطوطه) و در مواردی هم به اطعام درویشان خانقاه‌ها می‌پرداخت.

### ۳- قضاوت صحیح

قضاوت او در مورد سلاطین و امرا در گرو احسان و انعام آنان نیست، به طوری که هم از بذل و بخشش بی‌حدّ و حصر سلطان هند یاد کرده و هم از ظلم و قساوت قلب او. قضاوت وی در مورد ملل غیر مسلمان از جهاتی منصفانه ولی از بعضی جهات نیز قوم‌مدارانه است که در مبحث قوم‌مداری ابن بطوطه توضیح داده شده است. گپ در مورد شخصیت ابن بطوطه می‌نویسد «مردی با اعمال گناهکاران که نشانی از صفات اولیاء... در او بود»<sup>(۴)</sup>.

### ۴- زن دوستی و ازدواجهای ابن بطوطه

آن طور که از کتاب وی بر می‌آید وی مردی زن دوست بوده و دیدگان وی در همه جا و در همه حال در پی زنان زیبا بوده است و هر جا رفته از فرصت کمی هم که برای اقامت داشته برای ازدواج و تجدید فراش استفاده کرده است، از زندگی وی قبل از سفر اطلاعات چندانی در دست نیست اما در طرابلس و در آغاز سفر خود ابتدا با دختری یکی از امنای توس ازدواج کرده و سپس بعد از چند روز آن را به دلیل اختلاف با پدرزن طلاق داده و با دختری یکی از طلاب ازدواج کرده است.

نکته مهم آن چنان که از تاریخ ازدواج وی (اواخر محرم ۷۲۶) بر می‌آید همانند شیعیان حرمت ماه محرم را نگه نمی‌داشته و حتی در عروسی خود جشن بسیار مفصلی به پا داشته است.

در خصوص تجلیل از زنان در سرتاسر سفرنامه به عبارات زیادی بر می‌خوریم: «زنان زبید در جمال و خوشگلی ممتازند»<sup>(۵)</sup> «در عمر خود زنانی به این خوش معاشرتی ندیدم

...»<sup>(۶)</sup>.



چهار زن در یکی از جزایر مالدیو گرفت در جزایر ملوک دو زن گرفت و در جای دیگر از دهها کنیز صحبت می‌کند که تعدادی از آنها از ابن بطوطه صاحب فرزند شده‌اند. در یک مورد که یکی از حکام کنیزی زیبا به او می‌بخشد و بعد معلوم می‌شود که زن یکی از غلامان بوده و غلام از ابن بطوطه خواست در ازای گرفتن فدیه زن او را آزاد کند ولی ابن بطوطه می‌گوید چون او را دوست داشتم قبول نکردم؟ نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که ابن بطوطه کلیه زنان خود را یا طلاق داده و یا چون حامله بوده‌اند در شهری رها کرده و رفته است. «... از آنجا به شهر دمشق رفتم بیست سال تمام بود که زن حامله‌ام را جا گذاشته و رفته بودم ... از حال پسرم پرسیدم گفتند که دوازده سال پیش مرده...»<sup>(۷)</sup>. در هر حال شواهد زن دوستی وافر ابن بطوطه و گاه زیاده‌رویهای نامعقول وی بسیار زیاد است که در حیطه این مقاله نمی‌گنجد.

### نگاهی به سفرنامه ابن بطوطه

کتاب سفرنامه ابن بطوطه یکی از معدود کتابهای «سفرنامه‌ای» است که بر سایر سفرنامه‌ها از دو جهت رجحان دارد (البته از دیدگاه مترجم):

- ۱- از جهت وسعت و دامنه سفر که از مراکش شروع و به مصر و شامات و یمن و عمان و بلاد روم و قسمت بزرگی از ایران و ماوراءالنهر، هندوستان، چین، اندلس و آفریقای مرکز بسط یافته است.
- ۲- از جهت صداقت او در بیان احوال و اوضاع ممالکی که دیده است که در این مورد متعاقباً بحث خواهد شد.

### عامل این سفرها چه بوده است؟

برای بیشتر سفرنامه‌نویسان مسلمان در ابتدا مسأله زیارت خانه خدا عاملی برای شروع سفر بوده است و بنابراین فرهنگ اسلامی یعنی زیارت خانه خدا عامل مهمی در این سفر ۳۰ ساله محسوب می‌گردد که البته علاقه شخصی ابن بطوطه را باید به این مسأله افزود.

دوران مسافرت ابن بطوطه از لحاظ جریانات مذهبی و علمی نیز از جالب توجه‌ترین



ادوار اسلامی است. در این دوران آثار انقراض خلافت اسلامی و استیلای مغول در حیات علمی و مذهبی مسلمانان نمودار گردید و مراکز مهم اسلامی چون بغداد، بخارا و نیشابور و... از بین رفت.

### آغاز و پایان مسافرت ابن بطوطه:

شروع سفر در سال ۷۲۵ در سن ۲۲ سالگی و پایان آن در سال ۷۵۶ هجری قمری بوده است. لازم به ذکر است که در سال ۷۵۰ از هند مراجعت کرد ولی چند ماه بعد بلافاصله رهسپار دیار سیاهان گردید.

سفرنامه ابن بطوطه توسط ابن جزی از وزراء سلطان مراکش و به دستور سلطان گردآوری و تدوین گردید. «در سال ۱۸۵۳ به زبان فرانسوی و در سال ۱۹۸۲ به زبان انگلیسی و در سال ۱۳۴۸ به زبان فارسی ترجمه گردید.»<sup>(۸)</sup>

### مباحث مردم‌شناسی و فرهنگی در سفرنامه ابن بطوطه

#### قوم‌مداری ابن بطوطه

از مفهوم قوم‌مداری تعاریف زیادی ارائه شده است. در فرهنگ مردم‌شناسی آمده است که «قوم‌مداری، طرز تلقی و شیوه رفتار اعضای یک جامعه است. آنان همه وقایع اجتماعی را به کسانی برمی‌گردانند که می‌شناسند یا براساس آن معتقدند که فرهنگشان بهتر و برتر از دیگران است»<sup>(۹)</sup>.

نشانه‌های بارز قوم‌مداری ابن بطوطه را می‌توان در متن سفرنامه با کمی دقت و تأمل استخراج نمود زیرا وی در خصوص امراء و حاکمان عرب و حتی هم‌مذهبش، اسامی را با احترام و القاب بهتر و بیشتری نسبت به سایرین به کار می‌برد. به علاوه وی بارها تشییع را مورد ملامت و سرزنش قرار داده است.

در مورد شیعیان می‌نویسد: «صور بیشتر مردم آن رافضی (شیعه) هستند، روزی من به شیوه وضوی یکی از آنها اعتراض کردم...»<sup>(۱۰)</sup> و نیز در مورد مردم شیعه خرمشهر (معمره از نظر وی) در کتاب آمده است که: «مردم آنجا گروه پلیدی از شیعیان هستند که نسبت به صحابه دهگانه کینه می‌ورزند و هرکسی را که نامش عمر باشد دشمنی می‌ورزند...»<sup>(۱۱)</sup>.



موارد بسیار دیگری از قوم‌مداری ایشان را می‌توان در صفحات ۷۰، ۱۷۷، ۳۹۱ و... یافت که مجال پرداختن به همه آنها نیست. در مواردی که وی را به خاطر حشر و نشر با شیعیان، شیعه قلمداد کرده‌اند اظهار ناراحتی بسیار نموده است. در قبال غیرمسلمانان نیز حساسیت‌های خاصی داشته است، در یک مورد که طیب یهودی بالادست مسلمانان نشسته بود به شدت تندی و تعرض می‌نماید<sup>(۱۲)</sup>.

علاوه بر این برخورد، بیشتر رفت و آمدهای وی با سلاطین، بزرگان و امراء و قضات و شیوخ بوده و کمتر با مردم عادی مراد شده است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در سفرنامه وی از مردم عادی و رسوم آنان صحبتی کرده باشد و به دلایل بالا نمی‌توان در مورد صداقت گفته‌های ابن بطوطه در مورد بعضی از گروه‌ها از جمله شیعیان اطمینان حاصل کرد.

البته می‌توان گفت که در خصوص مسأله دوم (تنها با بزرگان و... سر و کار داشتن) ناشی از کار و شغل ابن بطوطه بوده است و شاید همین موضوع قضاوت و اعمال قانون کردن خود دلیلی بر آن باشد که دیگران در جواب او پاسخ چندان صحیحی نداده باشند.

#### مراسم و مناسک

به جرأت می‌توان گفت که یکی از مباحث مردم شناسی در این سفرنامه، مراسم آداب و رسومی است که در زمینه‌های گوناگون مثل تاجگذاری شاه، سلام به پادشاه، تجارت، بذل و بخشش، جشنهای مذهبی و غیرمذهبی است که به دلیل زیاد بودن مطالب ما فقط به تعداد معدودی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### جشن‌ها و اعیاد

برگزاری جشن از ویژگی فرهنگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود «پژوهشهای مردم‌شناسی، جامعه و گروهی را سراغ ندارد که مردم روز یا روزهایی را به شادی و شوخی و جنب و جوش شادمانه نپردازند»<sup>(۱۳)</sup>.

جشن‌ها را می‌توان از نظر مذهبی به دو دسته مهم تقسیم نمود:

۱- جشن‌ها و اعیاد مذهبی

۲- جشن‌ها و اعیاد غیرمذهبی

«اصولاً در پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بررسی و مطالعه جشن‌ها از





این لحاظ اهمیت دارد که زمینه ساز همبستگی و اتحاد روانی مردم و تجلی روح جمعی در جوامع ابتدایی بوده است<sup>(۱۴)</sup>. جشن‌ها به عنوان پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی ریشه در تاریخ یک جامعه دارد و در زمان و ایام مشخصی برگزار می‌گردد، اما جشن‌هایی که ابن بطوطه به آن اشاره کرده بیشتر به جشن‌های درباری اختصاص داشته تا جشن‌های ملی.

### ۱- جشن‌ها و اعیاد مذهبی

این جشن‌ها و اعیاد بیشتر مختص بلاد مسلمان‌نشین بوده است جشنهای مربوط به اعیاد فطر، قربان، غدیر، عید مبعث... که در همه بلاد اسلامی رواج داشته است، اما یکی دیگر از جشن‌های مذهبی که امروزه دیگر به آن شکل اجرا نمی‌شود، مراسم رؤیت هلال ماه مبارک رمضان است: «رسم آن نواحی چنین است که روز بیست و نهم شعبان در خانه قاضی شهر گرد می‌آیند... بعد از تکمیل عده، قاضی و همراهان سوار می‌شوند و مردم شهر از زن و مرد به دنبال آنان روان می‌گردند و به محل مرتفعی در بیرون شهر که مخصوص رؤیت هلال است، رفته... در بازگشت پیشاپیش جمعیت شمع‌ها و مشعل‌ها روشن و دکان‌داران در دکان شمع روشن می‌کنند...»<sup>(۱۵)</sup> و یا مراسم محمل‌گرداندن در شهر قاهره که به منظور تشویق و تهییج مردم جهت زیارت خانه خدا صورت می‌گیرد.

### ۲- جشن‌ها و اعیاد غیر مذهبی

این جشن‌ها مختص به جشن‌های خاصی چون تاجگذاری شاه، ازدواج شاهزادگان، پیروزی در جنگ که همه بخشی از مراسم گذر محسوب می‌شوند برای مثال ابن بطوطه به جشن مفصلی که برای شفاف‌سازی شکستگی دست ملک‌الناصر برپا شده بود اشاره می‌کند.

### مراسم مربوط به دربار پادشاهان

این مراسم فقط خاص پادشاهان و درباریان بوده و ابن بطوطه به خاطر موقعیتش از این مورد صحبت زیادی کرده است. مثل وصف اردوی ابوسعید و یا مراسم پذیرایی از خارجیان در دربار یمین و مراسم تقدیم هدایا به سلطان هند و... همچنین وی از مراسم سلام دادن که مخصوص دربار بوده یاد می‌کند رسمی که در میان پادشاهان ایرانی نیز مرسوم بوده است برای نمونه می‌توان به مراسم سلام دادن در ایوان تخت مرمر کاخ



گلستان در زمان قاجاریه اشاره نمود. در سفرنامه ابن بطوطه آمده است که «روز بار عام سلطان پیش او می‌رفتیم سلام می‌دادیم، طرز سلام دادن چنین است که باید انگشت سیابه خود را بر زمین نهاده و سپس همان انگشت را بلند کرده تا سر خود برده و بگوییم: خداوند عزت تو را زیاد گرداند»<sup>(۱۶)</sup> و در یک مورد هم به رسم سلام دادن به شیخ در شیراز اشاره می‌کند که فرد هنگام سلام دادن گوش خود را گرفته و بر پای او بوسه می‌زد و گوش به دست می‌نشست.<sup>(۱۷)</sup>

### مراسم و مناسک مخصوص بازار

بازار یکی از مراکز و ارکان مهم شهرها را در گذشته تشکیل می‌داده است، تجار و بازار از جمله مسائلی بوده که از چشم ابن بطوطه دور نمانده است. وی به بازار خنیاگران در هند و نحوه تجارت مردم شهر ظلمات اشاره می‌کند که تقریباً به صورت مبادله پایاپای بوده است.

در توصیف بازارهای ایرانی در مورد بازار جوهریان در تبریز می‌نویسد: «... به بازار جوهریان رتم از بس که جواهرات دیدم چشم خیره گشت... غلامان خوشگل با جامه‌های فاخر و... پیش خواجهگان ایستاده بودند و جواهرات را به زنان ترک نشان می‌دادند این زنان در خرید جواهر برهم سبقت می‌جستند.»<sup>(۱۸)</sup> همچنین به مراسم شنبه‌بازار فصل زمستان و تابستان در میان مردم زبید اشاره می‌نماید.

### مهمان‌نوازی در خانقاه‌ها و شهرها

از سخنان ابن بطوطه چنین برمی‌آید که خانقاه‌ها محل پذیرایی و ابراز میهمان‌نوازی از غریبه‌ها بوده است از جمله: «... در نزدیکی ظفار... شیخ بعد از اتمام غذا (منظور شیخ ابوالعباس) و شستن دستهایمان قدری از آب دست ما را خورد و مابقی را توسط خادم برای اهل و عیال خود فرستاد تا بخورند...»<sup>(۱۹)</sup> که بیانگر اوج میهمان‌نوازی شیخ بوده است. نمونه‌های متعددی از اینگونه میهمان‌نوازی‌ها را نیز در مورد مناطق مختلف دیگر بیان نموده است.

### نذورات، بخشش

در مورد بذل و بخشش بی حد و حصر پادشاه هند و سفره خاص و عام او،



بخشش‌های پادشاه چین و هند به یکدیگر ... مطالب مشروحنی را بیان نموده است. از نذورات مختلف از جمله «نذر ویا» یاد کرده است که برای رفع بیماری ویا صورت می‌گرفته است.

### پوشاک

پوشاک یکی از بخشهای مهم زندگی انسانی و تابع فرهنگ جامعه است و ابن بطوطه از آن غافل نبوده است از جمله پوشیدن عمامه گنده در اسکندریه، بستن عصابه به سر در طایفه بجهان، کفش پوشیدن زنان شیرازی، لباس فتوت در میان درویشان و... در زمره این موارد است.

### خانواده و خویشاوندی

برگس و لاگ در تعریف خانواده می‌نویسد: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش (به عنوان فرزند) با یکدیگر به عنوان زن و شوهر، مادر پدر، برادر، خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند.»<sup>(۲۰)</sup>

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی از عوامل اصلی دوام و بقا جامعه محسوب می‌شود و دارای مسائل متعدد و خاصی است که مورد توجه ابن بطوطه هم بوده است.

### ازدواج

«ازدواج رابطه قانونی، عرفی یا مذهبی است که زن و مرد را برای شرکت دائم یا موقت در زندگی به هم پیوند می‌دهد»<sup>(۲۱)</sup> در مورد شیوه‌های ازدواج درون همسری و برون همسری، ابن بطوطه مباحث زیادی را مطرح کرده است.

۱- ازدواج درون همسری (درون‌گروهی) «به معنای رسم‌گزینش همسر از درون گروه خویش است، این گروه می‌تواند یک گروه نژادی، یا یک گروه هم‌مسلك، یا یک کلان باشد»<sup>(۲۲)</sup> بنابر روایتهای ابن بطوطه در بیشتر ممالک عرب، زنان به ندرت با غریبه‌ها ازدواج می‌کردند و این موضوع بیانگر رسم درون همسری است.

۲- ازدواج برون همسری (برون‌گروهی): ابن بطوطه از مناطقی چون زبید یاد می‌کند که در آن زنان ازدواج با غریبه‌ها را بر افراد بومی ترجیح می‌دادند، در مواردی نیز ازدواج



با غریبه‌ها امکان‌پذیر بوده لکن به هنگام مسافرت شوهر، زن همراه او نمی‌رفت و از او جدا می‌شد.

### اشتغال و تحصیل زنان

در مواردی به کلفتی زنان در خانه ثروتمندان اشاره کرده و در یک مورد می‌نویسد: «از عجایب کارهای آنان این است که زنان برای خدمت در شهر اجیر می‌شوند... و این امر را عیب نمی‌دانند»<sup>(۲۳)</sup>.

در خصوص تحصیل زنان تنها در یک مورد صحبت کرده و آن مربوط به تحصیل دختران شهر هانور است: «در این شهر سیزده مدرسه دخترانه و بیست و سه مدرسه پسرانه دیدم که در شهرهای دیگر چنین چیزی نبود»<sup>(۲۴)</sup> و این مسأله برای وی عجیب بوده که ناشی از عدم توجه مردم سایر بلاد به موضوع تحصیل زنان بوده است.

### موقعیت اجتماعی زن و مرد

الف) زن‌سالاری: این اصطلاح در واقع زیرمجموعه کلمه مادرسری و مادرسالاری است و «مبین آن است که قدرت به وسیله زنان در جوامع قبضه شده...»<sup>(۲۵)</sup> و ابن بطوطه به آن نیز توجه داشته است «چیزی که در این بلاد (ترکان مجاری) مایه تعجب بود احترامی بود که درباره زنان خود داشتند. مقام زن در میان این قوم بیشتر از مقام مرد است... زن ترک که به بازار می‌آیند... چه بسا شوهر او هم همراهش باشد ولی دیگران فکر کنند که پیشخدمت اوست...»<sup>(۲۶)</sup> این عبارت نمونه‌ای است که بیانگر وضعیت زن‌سالاری در میان جامعه ترکان مجاری است.

ب) پدرسالاری: در مورد سایر بلاد خصوصاً ایران و بلاد عرب نشین و سیاهان آفریقا وضعیت برعکس به نفع مردان است. برای مثال به ظلم بی‌حد سلطان سیاهان به زنان خود اشاره کرده و در مواردی نیز خود وی مسأله احترام به زن را توسط مرد را امر عجیبی می‌داند که بیانگر روحیه مردسالاری در وجود وی و بالطبع هموطنانش است.

### اعتقادات و باورها

- فال‌بینی و پیش‌بینی آینده:

طالع‌بینی و پیش‌بینی از مواردی بوده که در آن زمان در بلاد مختلف رواج داشته، از جمله اعتقاد فخرالدین دیفی به فال نیک و قاضی شدن وی، همچنین پیش‌بینی برهان‌الدین



اعرج در مورد ابن بطوطه و مسافرت‌های طولانی وی در زمره این موارد است. البته اینگونه اعتقاد داشتن به فال با نوع مرسوم آن در ایران تفاوت بسیار دارد.

- اعتقادات مربوط به روزهای مسافرت:

در خصوص روزهای نحس کمتر به این موارد پرداخته، ولی در مورد هند می‌نویسد که مسافرت در روزهای دوم، هفتم، دوازدهم، یا هفدهم، بیست و دوم و بیست و هفتم ماه خوب است. شبیه همین مسأله هنوز هم در میان عشایر ایرانی رواج دارد.

- خواب:

در مورد خواب دکتر طیبی می‌نویسد «اعتقاد به خواب مانند غالب معتقدات و باورها ریشه قدیمی دارد»<sup>(۲۷)</sup> که البته منظور ابن بطوطه خوابهای معمولی نیست بلکه بیشتر منظور خوابهایی است که جنبه روحانی و صادقانه دارد. ابن بطوطه خود می‌گوید «شب خواب دیدم که بر بال پرند بزرگی نشسته‌ام و آن پرند به سمت قبله حرکت می‌کند، سپس جهت خود را تغییر داده، در جهت مشرق و جنوب و... حرکت کرد»<sup>(۲۸)</sup> و این خواب بیانگر مسافرت‌های طولانی وی بوده است.

- عجایب و دیدنی‌ها:

ابن بطوطه در سفرنامه‌اش به دیدنی‌ها و عجایب گوناگونی اشاره دارد همچون زن یک پستان، زنان جادوگر مالدیوی (کفتار) و در جایی دیگر می‌نویسد «در بیرون شهر لاهری (احتمالاً لاهور کنونی) عده بیشماری سنگ به صورت آدمی دیدم ... بقایای خرابه خانه‌هایی... و امیر می‌گفت که به عقیده مورخین، مردم این شهر بر اثر فساد بیش از حد مسخ شده‌اند»<sup>(۲۹)</sup> و یا هیولای درنده‌ای که خون مردم شهر را می‌مکید و جنازه را بدور می‌انداخت»<sup>(۳۰)</sup> اما درخصوص اینکه حقیقت این چنین مسائلی چه بوده چندان صحبتی نمی‌کند و حتی در مورد آنها نظر هم نمی‌دهد. در مورد دیگر وی از یک شیخ ۳۰۰ ساله در پنجکوه هند یاد می‌کند.

- برید:

یکی از اشکال پیام‌رسانی که در هند مرسوم بوده برید است. برید در هندوستان بر

دو نوع است:

۱- برید سوار عبارت است از اسب شاهی که هر چهار میل به چهار میل آماده و



مجهز است تا در صورت لزوم به حرکت درآید.

۲- برید پیاده: که در هر میل سه بار عوض می‌شود و آن را «داوه» می‌نامند. داوه یک سوم میل است و میل را به هندی «گروه» گویند، ترتیب کار داوه بدین صورت است که در هر فاصله ثلث میل، یک آبادی هست که سه چادر در خارج آن زده شده و مامورین داوه با کمرهای بسته و چوبدستی‌هایی به بلندی دو ذرع که زنگ‌های مسی بر سر آن نصب کرده‌اند آماده حرکت هستند، برید که از نقطه‌ای حرکت می‌کند به یک دست چوب دست و به دست دیگر نامه، با همه نیرو می‌دود با صدای زنگ برید بریدهای بعدی یکی یکی خبردار و آماده حرکت می‌شوند.

برید پیاده سریع‌تر از برید سواره است و برخی اوقات بعضی میوه‌های کمیاب را که از خراسان می‌آورند به وسیله طبق‌هایی برای سلطان می‌فرستند...<sup>(۳۱)</sup>.

- فلسفه نام‌گذاری کوه هندوکش

«هندوکش یعنی قائل هندوها، چون بردگان و کنیزکانی که از هند می‌آورند اغلب از شدت سرما و یخبندان در این کوه‌ها تلف می‌شوند...»<sup>(۳۲)</sup> به همین دلیل بر این کوه نام هندوکش اطلاق نمودند.

- تابوها

در تعریف تابو آمده است که: «ممنوعیتی است که موجود انسانی، حیوانی یا گیاهی مشمول آن می‌شود و این از آن رو است که این موجود مشحون از نیرویی برتر یا مانا شناخته می‌شود که آن انسان یا گیاه و یا حیوان را در تصرف خود دارد.»<sup>(۳۳)</sup> از آنجا که بیشتر سرزمین‌هایی که ابن بطوطه به آنجا سفر کرده، بلاد مسلمان‌نشین بوده است به همین دلیل و دلایل دیگری از تابوها صحبت چندانی نکرده است:

۱- مواردی را مشاهده نکرده و یا حداقل وی موفق به دیدن آن نشده است.

۲- به علت تعصب شدید مذهبی وی احتمالاً آنها را به عنوان خرافات مورد توجه قرار نداده است.

۳- به دلیل آنکه در حین سفر یادداشت‌برداری ننموده است بسیاری از موارد به ظاهر ساده و پیش پا افتاده را کنار گذاشته و یا فراموش کرده است.

در هر حال تابوها و در کل تقدیس طبیعت و مظاهر طبیعی و اعتقاد به آن سابقه در



ریشه تاریخی هر جامعه‌ای دارد و به قول دکتر طیبی «بیشتر ملت‌های امروزی جهان پشت سر گذاردن ظهورات دینی در آغاز طبیعت را مقدس داشته و مظاهر طبیعی چون سنگ‌ها، نباتات، جانوران، آسمان و عناصر چهارگانه عالم هستی را به صورت کلی و مطلق مورد تکریم و تقدیس قرار می‌دادند.»<sup>(۳۴)</sup>

در هر حال ابن بطوطه در صفحات ۴۰ و ۵۹ در لیبی (شهر معره) به مسأله تابو بودن عدد ده و نقوش مختلف و مجسمه‌های سنگی اشاره دارد، حرام بودن گوشت گاو، ذبح نکردن آن در میان هندوان ... از جمله این تابوهاست.

### ۲- زیارتگاه‌ها

در توصیف اماکن مذهبی مسلمانان با توجه به دین و مذهب ابن بطوطه، اشارت زیادی شده است که شامل؛ مساجد، امامزاده‌ها و قبور صالحان و شیوخ و... است. در مورد زیارتگاه‌های شیراز به مرقد احمد ابن موسی (ع) و قبر امام قطب، مسجد بصره و معبد خلیل در حلب و موارد بسیار دیگر اشاره دارد.

اقوام غیرمسلمان نیز از چشم وی به دور نمانده است. برای مثال به وادی جهنم (جایی که از آنجا حضرت عیسی به آسمانها رفته) مربوط به مسیحیان، و قدمگاه حضرت آدم در جزایر مالدیو و قاسیون در دمشق و موارد دیگری اشاره دارد.

### مراسم کفن و دفن

مرگ آخرین مرحله گذر در زندگی انسانی محسوب می‌شود و دارای آداب و مناسک خاص خود است، موضوعی که ابن بطوطه هم بدان توجه داشته است و در خصوص دفن یکی از خوانین چین می‌نویسد «ناووس بزرگی که عبارت است از دخمه‌ای زیرزمینی حفر کردند، کف آن را با بهترین فرشها مفروش کردند و خان را با اسلحه، ظروف سیمین و زرین که در خانه داشت و چهار کنیز و شش غلام دفن کردند...»<sup>(۳۵)</sup> این رسم از دیرباز بیانگر اعتقاد به دنیای پس از مرگ بوده است. در مورد دیگر آمده است که در شهر مغنيسا لباس مردگان را همراه آن دفن می‌کردند.

همچنین به رسم حضور هندیان بر سر مزار میت در روز سوم مرگ او اشاره می‌نماید، رسمی که در برخی از نقاط کشورمان نیز متداول است. سوختن جسد میت در هند و داستان مرگ پسر اتابک افراسیاب والی ایذه و... از دیگر موارد قابل توجه است.



## ویژگی‌های قومی و فرهنگی

توجه به خصلت‌های قومی و فرهنگی هر گروه یا جامعه‌ای یکی از جنبه‌های مهم در علم مردم‌شناسی محسوب می‌شود که ابن بطوطه نیز از آن غافل نبوده است، برای نمونه مهمترین ویژگی‌های مردم اصفهان را میهمان‌نوازی، دستگیری از مستمندان، غریب‌نوازی و شجاعت و... می‌داند و از اقوام ساکن در یک محدوده جغرافیایی نیز یاد می‌کند از جمله به لرهای ساکن شوشتر اشاره می‌کند و موارد بسیار دیگری که مجال پرداختن به همه آنها نیست.

## خوراک (غذاها)

غذا نیز یکی از جنبه‌های مردم‌شناسی است که به کرات در سفرنامه ابن بطوطه از آن یاد شده است در مورد غذاهای مخصوص روز بار عام سلطان می‌نویسد «این غذاها بر دو نوع‌اند!

۱- غذاهای خاصه که از آن سلطان و قاضی القضاة و بزرگان، سادات و میهمانان است.

۲- غذاهای عامه که باقی سادات و امراء و دیگران از غذاهای عمومی می‌خورند و جای هرکس سر سفره معین است (براساس منزلت و طبقه اجتماعی) و هرکس سر جای خود می‌نشیند»<sup>(۳۶)</sup>

از برنج که (پلوی کنونی) و کوشان (خورشت)، ارزن و دوغ، مشنگ (ذرت و خلر) به عنوان غذای سامرایها، و نیز گوشت خر اهلی و... یاد می‌کند، و نیز رسم کفار ملیبار بدین صورت است که هیچ مسلمانی نباید در ظروف آنها غذا بخورد و اگر بخورد آن ظرف را می‌شکنند...<sup>(۳۷)</sup>

## معماری

معماری در هر جامعه‌ای ریشه در اعتقادات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه دارد. بنابراین بررسی و دقت در آن می‌تواند روشنگر بخش مهمی از عناصر فرهنگی یک قوم یا گروه باشد. ابن بطوطه به این مسأله مهم نیز توجه نموده است از منارجنبان‌های متعددی از جمله منارجنبان مسجد بصره یاد می‌کند به شهر شوشتر (تستر) در ایران و دروازه شهر دزفول (دبسول) اشاره نموده و شهر اسکندریه را با چهار دروازه توصیف





می‌نماید این چهار دروازه عبارتند از: ۱- دروازه سدر در مغرب ۲- باب البحر ۳- دروازه سید ۴- باب الاخضر. در مجموع شرح و توصیف ابن بطوطه بیشتر به مساجد و اماکن متبرکه مسلمان مربوط می‌شود در مواردی نیز معماری بازارها را توضیح می‌دهد.

### رقابت و چشم هم‌چشمی‌ها در میان ایرانیان

در سفر به اصفهان می‌نویسد که جوانان مجرد گروه‌هایی متعدد تشکیل داده بودند و بین هر گروه از آنان با گروه دیگر رقابت و چشم و هم چشمی‌هایی برقرار بود «میهمانی‌ها می‌دهند و هرچه می‌توانند در این مجالس خرج می‌کنند، حکایت می‌کنند دسته‌ای از این جوانان دسته‌ای دیگر را دعوت کرده بود با شمع غذایشان را پخته بود و دسته دیگر که می‌خواست تلافی کند در دعوتی که متقابلاً به عمل آورده بود از حریر به جای هیزم استفاده کرده بود...»<sup>(۳۸)</sup>

رقابت زنان ترک در خرید جواهر آلات در بازار تبریز، رقابت میان گروه‌های جوانمردان و... از نمونه‌های دیگر است که پرداختن به همه آنها مقدور نیست.

### نتیجه‌گیری

سفرنامه ابن بطوطه یکی از گسترده‌ترین سفرنامه‌ها از نظر وسعت سرزمین‌های مورد توجه و نیز موضوعات مورد مطالعه است. این سفرنامه یک منبع مردم‌شناسی پیش از مردم‌شناسی محسوب می‌گردد که در آن موضوعات گوناگون مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از نکات مهم در سفرنامه ابن بطوطه این است که وی در جریان مسافرت یادداشت‌برداری ننموده است و همین مسأله تا حدی نوشته‌های او را مورد شک و تردید قرار داده است، اما با توجه به حافظه قوی وی تا حدی این تقیصه رفع گردیده است. نحوه توجه وی به مسائل و ویژگی‌های فرهنگی نشانگر اوج بینش علمی وی در نگاه به جوامع مختلف مورد مشاهده است، به گونه‌ای که دقت و ریزینی وی الگوی خوبی برای پژوهشگران فرهنگی بویژه مردم‌شناسان محسوب می‌شود.

یکی از مباحث مورد توجه اکثر مردم‌شناسان بررسی ریشه‌های قومی و جغرافیایی برخی آداب و رسوم است، این سفرنامه می‌تواند کمک شایانی را در این خصوص



عرضه نماید. خوراک، پوشاک، مسکن، اعتقادات و باورها، جشن‌ها، مراسم خاص دربار، خانواده و خویشاوندی و بسیار مطالب دیگر از جمله مباحث مطرح شده در این سفرنامه است، به گونه‌ای که کمتر موضوع مردم‌شناسی را می‌توان یافت که از دید ابن بطوطه مخفی مانده باشد. البته لازم به ذکر است که ویژگی‌های شخصیتی ابن بطوطه نیز تا حدی در نوشته‌هایش تأثیرگذار بوده است که نباید از آن غافل بود.

در هر حال این سفرنامه به عنوان یکی از منابع مهم مطالعات فرهنگی می‌تواند ما را در شناخت شرایط فرهنگی حاکم بر عصر او یاری نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## پی‌نوشت‌ها

- ۱- عسکری خانقاه، اصغر، «فرهنگ مردم‌شناسی» نشر ویس، تهران، ۱۳۶۸، صص ۱۱۴-۱۱۳.
- ۲- روح‌الامینی، محمود، میانی انسان‌شناسی، عطار، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۰.
- ۳- فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه‌های مردم‌شناسی، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸.
- ۴- ابن بطوطه «سفرنامه» (رحله ابن بطوطه)، ترجمه محمدعلی موحد - علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۴۱.
- ۵- همان. ص ۲۴۱.
- ۶- همان. ص ۶۰۴.
- ۷- همان. ص ۶۸۸.
- ۸- روح‌الامینی، محمود، «نمودهای فرهنگی اجتماعی در ادبیات فارسی»، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳-پاورقی.
- ۹- مأخذ شماره ۱، ص ۱۳۶.
- ۱۰- مأخذ شماره ۴، ص ۵۳.
- ۱۱- همان. ص ۵۸.
- ۱۲- همان. ص ۲۹۹.
- ۱۳- روح‌الامینی، محمود «آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز»، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹.
- ۱۴- طیبی، حشمت‌ا...، «مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی ایلات و عشایر»، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶.
- ۱۵- مأخذ شماره ۴، ص ۲۰.
- ۱۶- مأخذ شماره ۴، ص ۲۴۴.
- ۱۷- ر.ک. همان، ص ۱۹۵.
- ۱۸- همان. ص ۲۲۶.
- ۱۹- همان. ص ۲۵۶.
- ۲۰- ساروخانی، باقر، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده» (الف)، سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵.
- ۲۱- مأخذ شماره ۱۴، ص ۲۱۰.
- ۲۲- ساروخانی، باقر، «دایرة‌المعارف علوم اجتماعی» (ب)، کیهان، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۶.



- ۲۳- مأخذ شماره ۴، ص ۵۷۹.
- ۲۴- همان، ص ۵۷۹.
- ۲۵- مأخذ شماره ۱، ص ۲۴۳.
- ۲۶- مأخذ شماره ۴، صص ۳۲۹-۳۳۰.
- ۲۷- مأخذ شماره ۱۴، ص ۳۰.
- ۲۸- مأخذ شماره ۴، ص ۱۸.
- ۲۹- همان، صص ۴۱۳-۴۱۲.
- ۳۰- همان. ص ۵۶۴.
- ۳۱- همان. ص ۴۰۵.
- ۳۲- همان. ص ۳۹۸.
- ۳۳- آلن بیرو، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۲۰.
- ۳۴- مأخذ شماره ۱۴، ص ۲۸۰.
- ۳۵- مأخذ شماره ۴، ص ۶۸۲.
- ۳۶- مأخذ شماره ۴، ص ۲۴۴.
- ۳۷- تلخیص و برداشت همان، صص ۵۸۱-۵۸۰.
- ۳۸- همان. ص ۱۹۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

